

اگر شاعران در سرزمینات خاکستر می‌شوند...

تاریکی

به سوی روشنی سفر می‌کند،

اما کوری،

به سوی مرگ.

رایبندرانات تاگورا^۱

صبح

کنار پنجره می‌نشینم

و جهان

مثل رهگذری

لحظه‌ای آن‌جا می‌ایستد،

سری به من تکان می‌دهد

و می‌رود.

رایبندرانات تاگور

نگو «صبح است»

و آن را با یک اسم دیروز کنار نگذار.

به او برای اولین بار

مثل نوزادی که اسم ندارد

نگاه کن.

رایبندرانات تاگور

اگر شاعران در سرزمینات خاکستر می‌شوند،

بیش‌تر شعر بخوان

بچه!

اگر شاعران در سرزمینات خاکستر می‌شوند،

تو هم شعر بگو

بچه!

حسین یورت‌تاش^۲

اگر همه‌ی پرچم‌ها را یکی کرده

وزمین را با آن بپوشانیم

آیا باز زمین سردش خواهد شد؟

احمد گونباش^۳

پاک می‌کند هر شبانگاه

اسباب‌بازی‌فروش

اثر انگشتِ کودک را

از روی شیشه‌ویترین مغازه.

سونای آکین^۴



قرار است هواپیماها بیایند

من که نمی ترسم

کشتی های کاغذی

و سربازهای سُرپی من آماده اند.

اگر این ها هم خراب شوند،

پدرم تازه تر از این ها را می خرد.

اوکتای ریفات^۵

چیز عجیبی است

این تنهایی

صدایش کنی

پیدایش نمی شود

بیاید نمی ماند

بماند هم

کفایت نمی کند.

سونای آکین^۶

می گویی: ای کاش این جنگ تمام شود

ای کاش، گرسنه نشوم

ای کاش ادرار نگیرم

ای کاش خوابم نگیرد.

بگو ای کاش بمیرم!

ترک خورده اند چوبه های دار

مرگ،

به پشتِ درِ خانه مان رسیده است.

ندایم را پاسخ گو!

اگر سکوت کنی،

یا از مردگانی،

یا هم دستِ مرگ.

أرهان ولی کائینک^۷

گلتن آکین^۸

(۱) اشعار تاگور، برگرفته است از:

- تاگور، رابیندرانات (۱۳۹۷)، «ماه نو و مرغان آواره»، ترجمه ی ع. پاشایی، نشر ثالث. بخش «مرغان آواره»، قطعه شعرهای (به ترتیب) ۲۳۵، ۱۶ و ۱۸۸.

(۲) از کتاب «آلتورکا (گزیده شعر کوتاه مدرن ترکیه)»، ترجمه میراندا میناس و آیدین روشن، نشر ثالث، ۱۳۹۷.

(۳) همان.

(۴) همان.

(۵) از کتاب «جمهوری فدرال ابر (آفاق شعر نوی ترکیه)»، ترجمه ابوالفضل پاشا، انتشارات سولار، ۱۳۹۶.

(۶) از کتاب «آلتورکا (گزیده شعر کوتاه مدرن ترکیه)»، ترجمه میراندا میناس و آیدین روشن، نشر ثالث، ۱۳۹۷.

(۷) از کتاب «دست هایم را برای تو می آورم (گزیده ای از شعر معاصر ترکیه)»، ترجمه ی ناصر فیض و هنگامه حیدری، نشر مرکز، ۱۳۷۹.

(۸) از کتاب «آلتورکا (گزیده شعر کوتاه مدرن ترکیه)»، ترجمه میراندا میناس و آیدین روشن، نشر ثالث، ۱۳۹۷.